

تصنیف‌ها و ترانه‌های ملی - میهنی ایران

حسین فهیمی

ساختار ترانه و تصنیف‌های عارف خیلی مستحکم نیست ولی توانست در آن شرایط بهترین استفاده را از موسیقی بگیرد و راه را برای آیندگان هموار نماید. خود عارف می‌گوید: «اگر من خدمتی دیگر به موسیقی و ادبیات ایران نکرده باشم، وقتی تصنیف‌های وطنی ساختم که ایرانی از هر ده هزار نفر یک نفرش نمی‌دانست وطن یعنی چه».^۹ ضبط صفحه‌های گرامافون نیز در سال ۱۳۳۳ ه.ق در ایران آغاز شد یعنی درست در سال صدور فرمان مشروطیت و تا سال ۱۳۳۳ ه.ق ادامه یافت و اجرای نوازندگان و خوانندگان اواخر عصر قاجار از این طریق از گزند زمان محفوظ ماند.^{۱۰} از اولین ترانه‌های ضبط شده در ایران تصنیف «از خون جوانان وطن» عارف است.^{۱۱} خود عارف در این مورد می‌گوید: «این تصنیف در دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی در تهران ساخته شد، به واسطه‌ی عشقی که حیدرخان عموغلی به آن داشت، میل دارم این تصنیف به یادگار آن مرحوم ضبط گردد».^{۱۲}

هنگام می و فصل گل و گشت (جانم گشت، خدا گشت)
چمن شد / در بار بهاری تهی از زاغ و (جانم زاغ و خدا زاغ و)
زغن شد / از ابر کرم خطه ری رشک ختن شد / دل تنگ چو من
مرغ (جانم مرغ) قفس بهر وطن شد / چه کج رفتاری ای چرخ
چه بد کرداری ای چرخ / سر کین داری ای چرخ، نه دین داری
(نه آیین داری) ای چرخ / از خون جوانان وطن لاله (جانم لاله،
خدا لاله) دمیده / از ماتم سرو قدشان سرو (جانم در غمشان)
جامه دریده / چه کج رفتاری ای چرخ چه بد کرداری ای چرخ /
سر کین داری ای چرخ نه دین داری نه آیین داری ای چرخ /
از اشک همه روی زمین زیر و (جانم زیر و خدا زیر و) زیر کن
/ مشتی گرت از خاک وطن هست (جانم هست، خدا هست) به
سر کن / غیرت کن و اندیشه‌ی ایام به سر کن / و اندر جلو تیه
عدو (جانم تیه عدو) سینه سپر کن / چه کج رفتاری ای چرخ،
چه بد کرداری ای چرخ / سر کین داری ای چرخ نه دین داری،
نه آیین داری ای چرخ

یکی دیگر از افرادی که با شناخت دقیق شرایط زمان و البته برخلاف عارف با تسلط کامل بر ادبیات فارسی قدم در راه تصنیف سازی نهاد، ملک الشعرای بهار بود. کتاب سبک‌شناسی (تاریخ تطوّر نثر فارسی) تطوّر نثر گواهی صادق بر احاطه‌ی کم نظیر وی بر

□ تصنیف و ترانه، جذاب‌ترین گونه‌های موسیقی سنتی ایران است. این قسمت از موسیقی ملی ما غالباً در مقابل ردیف موسیقی ایرانی و بداهه نوازی ما قرار می‌گیرد. چون موسیقی دستگامی و بداهه نوازی، نوعی موسیقی فاخر می‌باشد و برای درک واقعی آن و همین طور لذت واقعی و کافی باید دانسته‌هایی از ادبیات، فلسفه و عرفان نیز داشت. این موسیقی فاخر خاصه بداهه نوازی در میان قشر فرهیخته‌ی ایران طرفداران زیادی داشته و دارد، ولی در مقابل تصنیف و ترانه از این قاعده پیروی نکرده و همگان از آن بهره‌مند هستند. بعد از تحولاتی که در ادبیات معاصر ایران پدید آمد، به ناچار موسیقی نیز از این تحولات بی‌نصیب نماند و خود را تا حدی با شرایط جدید تطبیق داد.

یکی از بزرگ‌ترین تحولات در شعر و ادبیات معاصر نزدیک‌تر شدن زبان - خاصه شعر - به زبان عامه است، که این در موسیقی - مخصوصاً تصنیف و ترانه - نمود کامل داشت. هم‌زمان با تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی ایران، موسیقی نیز آستان حوادث جدیدی بود، از جمله ظهور علی اکبر شیدا^۱ که باید وی را پایه گذار تصنیف و ترانه به معنا و مفهوم امروزی نامید.^۲ البته در ترانه‌های شیدا، شوریدگی و شیدایی حرف اول را می‌زند. گرچه در بعضی از ترانه‌های شیدا ضعف ساختار شعر مشهود است ولی به دلیل عامیانه بودن، به سرعت در میان مردم رواج یافت و در حال حاضر هم طرفداران زیادی در میان مردم دارد و بعضی از این ترانه‌ها بارها - حتا در سال‌ها اخیر - مورد اجرای مجدد قرار گرفته است. کمی جلوتر از شیدا، عارف قزوینی^۳ وارد عرصه موسیقی می‌شود و تأثیر این فرم موسیقی را به خوبی در می‌یابد. یکی از کاربردهای خاص که تصنیف در آن زمان داشت، خواندن و اجرای آن به شکل دسته جمعی بود که با توجه به شرایط خاص آن زمان عارف و البته سایرین - مثل نسیم شمال^۴ و ملک الشعرای بهار^۵ - نیز از این قابلیت تصنیف به خوبی استفاده کرده و سخنان نگفتنی خود را در این قالب سرودند.^۶ عارف به قول خود توانست این فرم را از حالت ابتذال خارج کند.^۷ به عقیده‌ی عارف تصنیف می‌توانست برای تربیت اخلاق، اشاعه‌ی زبان، ترویج یک عقیده و ایجاد حس وطن پرستی مورد استفاده قرار گیرد.^۸

عارف با توجه به شناخت خوبی که از موسیقی داشت و با بهره گیری از صدای خوش و قریحه‌ی ذاتی توانست این وظیفه را به نحو ارزنده‌ی ادا نماید، تا آنجا که لقب «شاعر ملی» را از آن خود کند. البته

ادب فارسی است. وی که از مبارزان و از مشروطه خواهان به نام هم بود و زندگی سیاسی پرتلاطمی داشت، با سرودن این تصنیف‌ها ستایش مردم و موسیقی‌دانان را برانگیخت.

از تصنیف‌های ناب این دوران «باد صبا بر گل گذر کن» است. آهنگ ساز این اثر «جهانگیر مراد»^{۱۳} و خواننده «بانو پروین»^{۱۴} بود. ۱۵
باد صبا بر گل گذر کن / گل گذر کن / گل گذر کن / از حال گل ما را خبر کن / نازنین ما را خبر کن / با مدعی کم تر بنشین / نازنین، ای مه جبین / بیچاره عاشق، ناله تا کی، ناله تا کی / یا دل مده، یا ترک سر کن، ترک سر کن / شد خون فشان چشم تر من / پر خون دل شد ساغر من / ای یار عزیز، مطبوع و تمیز / در فصل بهار، با ما مستیز / آخر گذشت آب از سر من / بین چشم تر من / گل چاک غم به پیرهن زد / پیرهن زد، پیرهن زد / از غیرت آتش در چمن زد / در چمن زد، در چمن زد / بلبل چو من شد در چمن / دستان سرا بهر وطن / دیدی که ظالم، تیشه‌اش را / آخر به پای خویشتن زد / شد خون فشان چشم تر من / پر خون دل شد ساغر من / ای یار عزیز، مطبوع و تمیز / در بزم بهار با ما مستیز / آخر گذشت آب از سر من / بین چشم تر من

از دیگر تصنیف‌های سروده شده توسط استاد بهار «ایران، وطن من» است که در سال ۱۲۸۹ ه.ش سروده شده و چند سال قبل توسط زنده یاد ایرج بسطامی^{۱۶} و آهنگ سازی استاد پرویز مشکاتیان اجرا شد:

ای خطه‌ی ایران مهین ای وطن من
ای گشته به مهر تو عجبین جان و تن من
دور از تو گل و لاله و سرو و سمنم نیست
ای باغ گل و لاله و سرو و سمن من
تا هست کنار تو پراز لشکر دشمن
هرگز نشود خالی، از دل محن من
دردا و دریغا که چنان گشتی بی‌برگ
کز بافته‌ی خویش نداری کفن من
امروز همی گویم با محنت بسیار
دردا و دریغا وطن من، وطن من
از مشخصات بارز ترانه‌های بهار سرودن آنها در دو بند است. البته این ویژگی کم و بیش در اکثر سروده‌های این دوره وجود دارد، ولی در مورد اشعار بهار به طرز بسیار زیبایی نمود دارد، بند اول حالت تغزلی و توصیف طبیعت را دارد و بند دوم مسائل روز را مطرح می‌کند. یکی از بهترین نمونه‌های این کار تصنیف به یاد ماندنی «مرغ سحر» است که با آهنگی از مرتضی نی داوود^{۱۸} و با صدای قمرالملوک وزیری^{۱۹} اجرا شده است.^{۲۰} این تصنیف که در سال ۱۳۰۴ ه.ش سروده شده از بهترین تصنیف‌های موسیقی ایران است و بارها توسط خوانندگان مختلف اجرا شده است.^{۲۱}

در همان دوران گروهی از هنرمندان موسیقی کشور به منظور

ترویج هنر موسیقی انجمنی به نام «انجمن دوستداران موسیقی ملی» تاسیس کردند که در راس این انجمن زنده یاد استاد روح اله خالقی^{۲۲} قرار داشت. این انجمن که در سال ۱۳۲۳ ه.ش تشکیل شد، در ابتدا هدفی جز شناساندن موسیقی ایران نداشت و به این دلیل فقط به برگزاری کنسرت اکتفا می نمود ولی بعدها با انسجام بیش تر و همکاری تقریباً تمامی نام‌آوران عرصه موسیقی ایران و با دارا شدن اساس نامه و به ثبت رسیدن رسمی و با تغییر نام به «انجمن موسیقی ملی» فعالیت خود را گسترش داد که یکی از مهمترین دستاوردهای آن تاسیس هنرستان موسیقی بود.^{۲۳} «انجمن موسیقی ملی» که فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۲۳ ه.ش و دقیقتر از آن مهر همان سال شروع کرد، با استفاده از خلاقیت و نبوغ جمعی از بهترین استادان تاریخ موسیقی این کشور خدمات شایانی به هنر نمود. آن دوران که مصادف با حضور نیروهای بیگانه و اشغال خاک ایران بود، روح‌الله خالقی ترانه‌ی جاودان «ای ایران» را ساخت که می‌توان آن را به‌عنوان بهترین ترانه‌ی ملی میهنی موسیقی این کشور نام‌گذاری کرد. این ترانه که با شعری از حسین گل گلاب^{۲۴} و با صدای جاودان یاد استاد غلام حسین بنان^{۲۵} خوانده شد، تأثیر شگرفی در تاریخ معاصر این کشور داشت، به طوری که حتا خواندن آن در مدارس اجباری شد. البته بعد از استاد بنان خوانندگان زیادی از جمله «اسفندیار قره باغی»،^{۲۶} «رشید وطن دوست»^{۲۷} و «حسین سرشار»^{۲۸} این ترانه‌ی جاودان را اجرا کردند که البته هیچکدام از این اجراها جای اجرای اول آن را نگرفت.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ترانه‌های ملی - میهنی برای مدتی هر چند کوتاه جایگاه قابل توجهی نداشت و اثر ماندگاری در این حوزه خلق نشد. شاید تنها اثر آن دوران را که بتوان ذکر کرد «دوباره می سازمت وطن» با شعری از سیمین بهبهانی^{۲۹} و صدا و آهنگ حمید ادیب بود که البته آن هم به واسطه‌ی شعر قوی مورد توجه قرار گرفت. هم زمان با تثبیت ادبیات معاصر و نفوذ فرهنگ غرب به کشور که باعث آشنایی هنرمندان داخل با انواع هنرهای بیگانه شد، موسیقی غربی نیز در ایران طرفداران و مجریان خود را یافت. از خوانندگان به نام آن دوران که از سبک موسیقی سنتی ایران فاصله گرفت و البته با دانش موسیقی سنتی و آورده‌های جدید خود توانست سبکی منحصر برای خود ایجاد کند، «محمد نوری»^{۳۰} بود. نوری در میان سه نسل از اعتبار ممتازی برای آواز خود برخوردار است و صدای توانای وی در کنار اطلاعات عمیق از موسیقی و ادبیات ایران و غرب^{۳۱} توانست از او چهره‌ی شاخص در موسیقی ایران خلق کند.^{۳۲} در میان انبوه ترانه‌های او که به بیش از ۳۰۰ قطعه می رسد «ایران» واژه‌ای آشناست و وی ترانه‌های زیادی برای ایران خوانده که به ترتیب شامل «ای وطن» (۲ ترانه به این نام خوانده) «ای دیار خوب من» «در روح و جان من» می باشد.

ترانه‌ی «ای وطن» با شعری از «نادر ابراهیمی»^{۳۳} و آهنگ «فریدون شهبازان»^{۳۴} و با صدای نوری اجرا شد:

ای وطن / ای سلام، ای سرودم / ای نگهبان وجودم ای

غمم تو، شادی ام تو / مایه‌ی آزادی ام تو / ای وطن / ای دلیل
 زنده‌بودن / ای سرود صادقانه / ای دلیل زندن ماندن / ای پناه
 جاودانه / ای وطن / هم‌چو رویش در بهاران / هم‌چو جان در
 هر بدن / مثل بوی عطر گل‌ها / مثل سبزی چمن / ای وطن /
 مثل راز شعر حافظ / مثل آواز قناری / هم‌چو یاد خوشترین‌ها /
 مثل باران بهاری / ای وطن / مثل غم در مرگ مادر / مثل کوه
 غصه‌هایی / مثل سربازان عاشق / قهرمان قصه‌هایی / ای
 وطن / هم‌چو آواز بلندی / از بلندی‌های پاک / با غروری با
 گذشتی / باوفایی، هم‌چو خاک

ترانه‌ی «ای دیار خوب من» هم با شعر و صدای خود نوری و با
 یک آهنگ محلی و به تنظیم فریبرز لاجینی^{۳۵} اجرا شده است.^{۳۹}

ای دیار خوب من همیشه جاوید
 ای شکوه بیکران، همیشه خورشید

من زمین تشنه‌ام، تویی تو باران
 من خزانی بی‌فروغ تویی تو بهاران

ای طلوع بی‌غروب، باران نوبهار
 به چشم من بتاب، به وجودم بیار

ای ترانه‌ی درود، برلب ما بمان
 تو صدای بودن، صدای عاشقان

ای دیار خوب من، تو تسلائی
 فروزان ستاره در، امروز و فردایی

از تو با تو گفتم، ای سرودم تو
 گفتن و شکفتن، بود و نبودم تو

ای طلوع بی‌غروب، باران نوبهار
 به چشم من بتاب، به وجودم بیار

تو امید جاودان، من از تو لبریز
 ای دیار خوب من، تو عزیزی عزیز

ترانه‌ی «ای وطن» یا «آه ای وطن» هم ترانه دیگری است با صدا
 و شعر نوری که با آهنگی از موسیقی آمریکای لاتین اجرا شده
 است.^{۳۷}

با تو هستیم ای وطن
 ای خورشید جاوید من

ای صدای گرم آبشاران
 ای شب مهتاب کوهستان

تو چون بهاری بهار بی پاییز
 زعطر خاک تو گشته ام لبریز

به سینه‌ی من طلای جاویدی
 به چشم من تو، چو نورخورشیدی

آه ای وطن، نام تو، همیشه، برلبم
 یا مهر تو، ستاره، درخشد برشیم

به دشت تشنه، شکوه بارانی
 سرود پاک، شعر بهارانی

غروب ما را، پیام خورشیدی
 طلوع بودن، طلوع آمیدی
 تو، سرود فصل بندها
 برلبم جاری چنان دریا
 ولی معروف‌ترین ترانه‌ی ملی-میهنی نوری ترانه در «در روح و
 جان من» با شعر تورج نگهبان و آهنگ سازی محمد سریر است.

در روح و جان من / می مانی ای وطن / به زیر پا فتد آن
 دلی / که بهر تو نلرزد / شرح این عاشق / ننشیند در سخن /

که بهر عشق والای تو / همه جهانی نیرزد / ای ایران ایران /
 دور از دامان پاکت / دست دگران، بد گهران / ای عشق

سوزان / ای شیرین‌ترین رویای من / تو بمان، در دل و جان /
 ای ایران، ایران / گلزار سبزه دوراز / تاراج خزان، جور زمان

ای مهر رخشان / ای روشنگر دنیای من / به جهان، تو بمان /
 سبزی صد چمن / سرخی خون من / اسپیدی طلوع که / به

پرچمت نشسته / شرح این عاشق / ننشیند در سخن / بمان
 که تا ابد هستی ام / به هستی تو بسته

هم‌زمان با نزدیک شدن به انقلاب ۱۳۵۷ و به وجود آمدن شور و
 هیجان انقلاب این نوع ترانه هم رونق گرفت و در این میان چند نام

آشنا سخن در اجرای بهتر و نوآوری در این زمینه بودند. حدود سال
 ۱۳۵۷ «علی اکبر گلیایگانی»^{۴۱} معروف به گلیا با شعری از «اردلان

سرفراز»^{۴۲} و آهنگ «جهان بخش پازوکی»^{۴۳} ترانه ای خواند با حال
 و هوای موسیقی خاص خود درباره‌ی ایرانی به نام «ای وطن، ای

ریشه‌ی من».

دل‌م از تنهایی تو، حتا یک نفس جدا نیست
 گله سرکن که می‌دونه، گله‌ها یک دوتا نیست

ای وطن، ای ریشه‌ی من، عشق من، اندیشه‌ی من
 گور من، گهواره‌ی من، قلب پاره‌پاره‌ی من

بگو از اونا که رفتند، تو رو بی صدا شکستند
 بگو از اونا که موندند، دل تو اینجا شکستند

با همه عذاب دیروز، دل به فردای تو بستند
 توی این روزهای خوب هم، می‌بینی که با تو هستند

اما من، نه اهل سودام، نه به فکر ترک این جام
 اهل تو از ریشه‌ی تو، خاک تو خون تو رگ‌هام

کمی جلوتر از آن استاد محمدرضا شجریان^{۴۴} که آنروزها با نام
 «سیاوش» می‌خواند با شعری بسیار معروف از «ابوالقاسم لاهوتی»^{۴۵}

و آهنگسازی «جلیل عندلیبی»^{۴۶} ترانه‌ی «میهن، ای میهن» را
 خوانده بود.

تنیده یاد تو / در تار و پودم / میهن، ای میهن / بود لبریز
 از عشقت وجودم / میهن ای میهن / تو بودم کردی از /

نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو / بود و نبودم / میهن،
 ای میهن / به هر مجلس، به هر زندان / به هر شادی، به هر

ماتم / به هر حالت که بودم، با تو بودم / اگر مستم اگر هشیار

بعد از جریان خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان زاهد (= میدان شهدای امروز) تهران، دو گروه بسیار قوی موسیقی سنتی آن زمان به نام های «عارف» و «شیدا» به طور دسته جمعی از رادیو استعفا داده و با انقلاب مردم ایران همصد شدند. در این زمان استاد محمدرضا شجریان با همکاری یکی از نواخ موسیقی ایران یعنی «محمدرضا نطفی»^{۴۷} توانست آثاری را خلق کند که تا آن زمان در موسیقی ایران بی سابقه بود و از طرف مردم با استقبال بی نظیر رو به رو شد. این آثار که با دریافت حال و هوای آن دوران و البته رعایت کامل موازین موسیقی ایران و نوآوری خاص نطفی هم از نظر آهنگ سازی و هم نوع اجرایی آن روانه بازار شد تا حال در موسیقی ایران ممتاز مانده است. موسیقی کلاسیک ایرانی که همواره تهمت رخوت و کندگی را پندک می کشید، این بار با وجود این نواخ تحرک و هیجان را به مردم ایران هدیه می داد.

بعد از انقلاب ۱۳۵۷ که لطفی و سایر هنرمندان گروه «عارف» و «شیدا» از رادیو به دور مانده بودند، «کانون فرهنگی چلووش» را تأسیس کردند که هم در عرصه اجرای موسیقی ممتاز و هم در عرصه آموزش این موسیقی به جوانان خدمات شایانی انجام دادند. بعد از بهمن ماه ۱۳۵۷ استاد محمدرضا شجریان با شعر «اصلاح صلابتین» و آهنگ سازی نطفی تصنیف «شب نورد» را می خواند.^{۴۸} شب است و چهره میهن سیه / نشستن در سینه های گناهه / تفنگم را بده تا ره بجویم / که هرکه عاشقه، پایش به راه / برادر بی قراره، برادر شعله وره / برادر دشت سینه اش لاله زاره / شب و دریای خوف انگیز و طوفان / من و ندیشه های پاک «پویان»^{۴۹}

بریم خلعت و خیمه بیور / که خون می یزد ز دل های سوزان / برادر نوجوونه، برادر غرق خونه / برادر کاکلش، آتش فشنونه / تو که با عاشقان، درد آشنایی / تو که هم رزم و هم زنجیر مایی / بسین خون عزیزان را به دیوار / بزین شیور سبج روشنایی / در آذرماه سال ۱۳۵۸ باز هم استاد شجریان در کنار لطفی و شعری از «امیر هوشنگ ابتهج (سایه)»،^{۵۰} شعری خلق می کند که امروز هم زینت بخش روزهای می منست. این اثر که هم زمان در دانشگاه ملی اجرا و ضبط شده است، به خاطر نبود تکنولوژی بالا از کیفیت بسیار مطلوب برخوردار نیست.^{۵۱}

ایران، ای سرئی امید / بر باست سپیده دمید / بنگر کزین ره پر خون / خورشیدی خجسته رسید / اگر چه دل ها پر خون است / شکوه شادی افزون است / سپیده ای ما گلگون است / وای گلگون است / که دست دشمن در خون است / ای ایران، غمت مرساد / شادی نصیب تو باد / راه ما، راه حق / ره بهروزی ست / اتحاد، اتحاد، رمز پیروزی ست / صلح و آزادی، جویدانه بر همه جهان خوش باد / یادگار خون عاشقان ای بهار / ای بهار تازه جاودان / در این چمن شکفته باش / در همان ایام «شهرام ناظری»^{۵۲} با آهنگ سازی «لطفی» و شعر «محمد ذکایی (هومن)»^{۵۳} باز هم در همان کانون فرهنگی چلووش

می گذرد کاروانی، روی گل ارغوانی / قافله سالاران، سرو شهید جوان / در غم این عاشقان / چشم فلک خون فشان / داغ جدایی به دل، آتش حسرت به جان / خورشیدی، تابیدی، ای شهید / در دل ها جاویدی، ای شهید / می گرید در سوگت آسمان

می سوزد در داغت شمع جان / چون روید لاله از خاک تو / یاد آرم از جان پاک تو / بنگر چون شد، دلها خون شد / زین آتش ها، از موج خون / شد لاله گون، دشت و صحرا / زین درد و غم، گوید عالم / ای شهید ما، از این ماتم / خون می گرید، ای یاران / سوزم از داغ غمی، داغ ظلم / ستمی / خون همه جانبازان می دهد آواز / جان فدای وطنم. / خاک ایران کفتم / ای دریغا، لاله ای ما / گشته گلگون، خفته در خون

بعد از شروع جنگ ۸ ساله ایران و عراق و نگاه مغرضانه ای که نسبت به موسیقی حاکم شد، رشد موسیقی ایران عملاً متوقف شد و این امر یا باعث مهاجرت و یا باعث سکوت این اساتید گشت. بعد از این آثار که بیان شد، اثری که بتواند نظر عموم را به خود جلب کرده و در میان مردم ماندگار باشد، اجرا نشد.^{۵۴} حتی بعد از سال ۱۳۷۶ که دولت نطفی خانمی روی کار آمد و آزادی زیادی به موسیقی و موسیقی دانان داده شد، اثری فاخر در این زمینه ارائه نشد. امید است با تلاش جوانان در این عرصه بتوان جای خالی اساتید این رشته را پر کرد. ■

پی نوشت ها

۱- علی اکبر شید در سال ۱۲۵۹ ه. ق در شیراز متولد شد، نخلص وی به خاطر علاقه به دختری یهودی زاده به نام مرضیه بود. وی بعد درویش بوده و مدت ها در خانه در خدمت صفاعلی شاه ظهیرالدوله بود. ۲- مردن موسیقی ایران، حسب آله تفسیری غر، نشر زد، جنب چهارم ۳- مؤنذ ۱۲۰۰ ه. ق قزوین. وی بعد از سند درویش چهره تصنیف سری ایرانی است. ۴- سید اشرف لدین حسینی گیلانی متولد ۱۲۸۷ ه. ق وی روزنامه ی نسیم شمال را منتشر می کرد و به بن نه شهرت داشت ۵- مؤنذ ۱۲۰۴ ه. ق در مشهد بعد از مرگ پدر از مظفرالدین شاه لقب ملک الشعری پدر به وی رسید. از بزرگ ترین قلمبده سران تاریخ ادبیات ایران است. ۶- این قالب در ادبیات کهن تیر سابقه دارد. ۷- جسم انداز شعر نوفارسی، حمید زرین کوب صفحه ۳۰ ۸- چشم نگار شعر نو فارسی حمید زرین کوب صفحه ۲۰ - ۹- از صبا تا نیمه، حد دوم صفحه ۱۶۱ - ۱۰- تاریخ تحول سبب موسیقی در ایران، ساسان سینا، ماهور، چاپ دوم، صفحه ۱۲۲ - ۱۱- نام دیگر این ترانه (وز بهری) است در کاست راز دل جزئی اسناد شجریان و استاد فرموز بیور ۱۲- عارف فروری، شاعر ملی ایران (دیوان عارف فروری) هدی جانری، انتشارات جاویدان ج- اول صفحه ۳۵۸ - ۱۳- عقب به حسام سلطنته متولد ۱۲۶۰ تهران، در ۸۰ سالگی در گذشت (تاریخ جمع موسیقی ایران) ۱۴- اجر شد در گس های رنگارنگ شماره ۲۷۰ با تنظیم مرحوم جود معروفی ۱۵- استاد شجریان هم بن تصنیف را اجرا کرده است. ۱۶- از خوانندگان بسیار با استعداد بود که منافقانه در ژانله ی ۱۲۸۲ بم در زنداک خود کشته شد. ۱۷- متولد ۱۳۳۴ در سنابور وی در حال حاضر ز بهترین نوازندگان سنتور ایران است. ۱۸- مؤنذ ۱۳۷۹ ه. ش از شاگردان درویش خان که موفق به دریافت تیر زرین از درویش خان شد. وی فس ز انقلاب به آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۱۳۶۹ در آنجا درگذشت ۱۹- مؤنذ ۱۳۸۵ اولین خواننده ی زن ایران که در رادیو برنامه اجرا کرد. در گذشته به سال ۱۳۳۸ (در محله ی پردیبات آهنگساز ایران، صفحه ۱۹۵) ۲۰- شعر

آزادمرد

مشفق کاشانی

توان آزادمرد راستینی
 که آیات امانت را امینی
 درخشان گوهری از نسل احمد
 فروزان اختر دنیا و دینی
 به جام دردنوشان شهید نابی
 به کام دوستداران انگبینی
 به شیرینی شکر در خامه داری
 به حافظ نامه اعجاز مبینی
 به حکمت بوعلی و بوالعلائی
 به عصر ما هم آئی و هم اینی
 شب تاریک را ماه فلک سیر
 سحر، تابنده خورشید زمینی
 خدا را ایستاد در آستانی
 فروغ موسوی در آستینی
 در این تاریکنا زندان هستی
 زمستی باده‌ی شورآفرینی
 به آیین محبت جانفروزی
 به سودای صداقت دل نشینی
 به بوی روشنی عقد پرن را
 در ایوان سحرگه خوشه چینی
 تو چون ققنوس کز خاکستر سرد
 برآید با زبان آتشی
 مشو خاموش از آتش زبانی
 که در آتش زبانی برترینی

عکس چاپ نشده‌یی از زنده‌یاد استاد محمدعلی ناصح



کامل این تصنیف در شماره‌ی سوم ماهنامه‌ی حافظ، صفحه‌ی ۸۵، چاپ شده است.
 ۲۱- از جمله استاد شجریان ۲۲- متولد ۱۲۸۵ در کرمان، شاگرد استاد علینقلی وزیر
 که بعدها همکار وی شد. وی در سال ۱۳۴۴ درگذشت. ۲۳- در سال ۱۳۲۸ این
 هنرستان تاسیس شد. (مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، حبیب‌الله نصیری‌فر،
 جلد ۴، صفحه‌ی ۳۵) ۲۴- معلم دارالفنون و استاد دانشگاه تهران (تاریخ تحول
 موسیقی ایران، صفحه‌ی ۲۰۴) ۲۵- متولد ۱۲۹۰ هـ.ش از بزرگ‌ترین خوانندگان
 موسیقی ایران که در دهه‌ی ۱۳۲۰ به‌عنوان بهترین مجری آثار مکتب وزیری -
 خالقی معرفی شد و در سال ۶۴ درگذشت. ۲۶- متولد ۱۳۲۲ هـ.ش تبریز ۲۷- متولد
 ۱۳۲۱ تبریز دارای نشان درجه‌ی ۱ هنر. ۲۸- متولد ۱۳۱۰، دوبرور و بازیگر، خواننده
 در اپرا، به ادعای بعضی فعالان سیاسی وی در سال ۱۳۷۴ به‌دست ... کشته شد.
 ۲۹- متولد ۱۳۰۶ تهران از پیشروان غزل امروز در این قالب صاحب سبک است.
 مجموعه‌ی اشعار وی چند سال قبل توسط انتشارات نیلوفر و آگاه به چاپ رسیده
 است. ۳۰- متولد ۱۳۰۸ در تهران، وی در موسیقی پاپ ایران جایگاه منحصر به خود
 را دارد. ۳۱- وی فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران در رشته‌ی
 نمایش است. وی در زمینه‌ی ترجمه داستان‌های کوتاه و شعر هم تجربه‌هایی دارد
 (تاریخ جامع موسیقی ایران) ۳۲- وی در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان چهره‌ی ماندگار
 موسیقی ایران انتخاب شد. ۳۳- متولد ۱۳۱۵ تهران، نویسنده و کارگردان (فرهنگ
 سینمای ایران، جمال امید) ۳۴- متولد ۱۳۲۱ تهران، از ۱۷ سالگی به عضویت ارکستر
 سمفونیک تهران درآمد. وی همواره به عنوان عضو ثابت شورای عالی شعر و
 موسیقی فعالیت داشته است (مردان موسیقی ایران، ج ۱، صفحه ۲۱۰) ۳۵- متولد
 ۱۳۳۴ هـ.ش از بهترین آهنگسازان ایران است. ۳۶- در کاست آوازهای سرزمین
 خورشید، کانون فرهنگی - هنری نی داوود. ۳۷- همان کاست. ۳۸- متولد ۱۳۱۱
 تهران، لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران. (مردان موسیقی ایران، ج ۳،
 صفحه‌ی ۵۲۷) ۳۹- متولد ۱۳۲۳ تهران، فارغ‌التحصیل رشته‌ی موسیقی از تهران و
 وین. ۴۰- کاست دلاویز، تلویون کانون فرهنگی و هنری نی داوود. ۴۱- متولد ۱۳۱۲
 در تهران، وی از مسلط‌ترین افراد به گوشه‌های موسیقی ایران است. وی اولین
 ایرانی است که در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۵ موفق به دریافت دکترای افتخاری در رشته‌ی آواز
 از دانشگاه کلمبیای آمریکا شد. ۴۲- از معروف‌ترین ترانه‌سرایان موسیقی پاپ ایران
 است. وی هم اکنون ساکن آمریکاست. ۴۳- متولد ۱۳۱۶ اصفهان ۴۴- متولد ۱۳۱۹
 مشهد، خوش‌نویس یا درجه‌ی ممتاز، دوره عالی نوازندگی سنتور با آموزش استاد
 فرامرز پایور بیش از ۱۰۰ برنامه در گل‌ها و برگ سبز اجرا نموده و بهترین خواننده
 تاریخ موسیقی ایران است. وی در تمامی دستگاه‌های موسیقی ایران آثار بی نظیری
 را آفریده است. ۴۵- متولد ۱۲۶۴ هـ.ش کرمانشاه، از شاعران پیش‌رو ادب معاصر
 است. بعضی از افراد وی را با سابقه‌تر از تیما در شعر نوی ایران می‌دانند. وی در
 مسکو در گذشته و در آنجا صاحب مقام‌های مهم دولتی بوده است. دیوان وی در سال
 ۱۳۵۸ توسط انتشارات امیرکبیر و به کوشش احمد بشیری چاپ شده است. ۴۶-
 متولد ۱۳۳۳، آهنگساز و نوازنده‌ی سنتور، فارغ‌التحصیل رشته‌ی موسیقی از دانشگاه
 تهران ۴۷- متولد ۱۳۲۵ گرگان، نوازنده‌ی تار و سه تار، آهنگ‌سازی را در زمینه‌های
 گوناگون تجربه کرده و در این زمینه از خلاق‌ترین افراد است. ۴۸- اجرا شده در
 کاست چاووش شماره ۲. ۴۹- اسم خاصی است (به احتمال امیر پرویز پویان) ۵۰-
 متولد ۱۳۰۶ رشت، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ سرپرست برنامه‌های گل‌های تازه و
 گلچین هفته رادیو بود. از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان معاصر است. ۵۱- کاست چاووش
 شماره ۶ و شیدا به‌نام سپیده ۵۲- متولد ۱۳۲۸ کرمانشاه. در کودکی تحت تعلیم پدر
 بود و از سال ۵۷ به بعد با همکاری گروه چاووش آثار ارزنده‌یی آفرید. وی در سه تار
 زیر نظر استاد احمد عبادی و در ادبیات زیر نظر استاد شفیع کدکنی کسب فیض
 کرده است. (مردان موسیقی ایران- ج ۱، صفحه ۴۸۵). ۵۳- اجرا شده در کاست
 چاووش شماره‌ی ۸. ۵۴- البته بسیاری از خوانندگان در این سالها از جمله مهرداد
 کاظمی، چنگیز حبیبیان، خضایار اعتمادی، یآوری و... در این زمینه آثار را اجرا
 کرده‌اند ولی بسیار زود از اذهان فراموش شده است.

عکس و خط محمدعلی ناصح

نشسته در وسط زنده‌یاد استاد محمدعلی ناصح رئیس انجمن ادبی ایران
 - دست چپ دکتر خلیل خطیب رهبر استاد دانشگاه تهران
 و دست راست حسین حاجی‌نوروز (نوروزی)